

# مبانی و مولفه های تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه های رهبر معظم انقلاب اسلامی

مجید خاری آرانی<sup>۱</sup> و زهرا علی اکبرزاده آرانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

<sup>۲</sup> مربی گروه اتاق عمل دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

\*Email: [khari322\\_m@yahoo.com](mailto:khari322_m@yahoo.com)

## چکیده

نگاه گذرا به شرایط و مولفه های تمدن به طور عام و تمدن اسلامی به طور خاص از نظر مقام معظم رهبری، مورد اهتمام تحقیق حاضر است. پویایی ماهیت اسلام، تجربه اسلام دوره پیامبر، شکل گیری تمدن عظیم اسلامی در مدینه النبی (ص)، آرمانگرایی و قانون مندی تمدن اسلامی، احساس برگشت به اسلام و ارزش های دینی، پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی «ره»، همه نوید بخش تمدنی نوین به محوریت اسلام است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، مولفه های تمدن چون نظام ارزشی، رهبری، قانون مندی، نهادهای سیاسی و اجتماعی و شهرنشینی با بازگشت حقیقی به قرآن و اقتدا به سنت رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع)، زمینه ساز تمدن نوین اسلامی است. بنابراین، افراد باید در راستای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، نظام سازی، بازخوانی اصول انقلابی و رسیدن به وحدت جهانی، جزء اولویت های خود قرار دهند. نتیجه تحقیق، بیانگر تحقق تمدن نوین اسلامی است. تمدنی که تجلی هماهنگ اصول گرایی و خلاقیت، عقلانیت و معنویت، ارزش و معرفت، اخلاق و قدرت، تعالی و قداست است. لذا، هدف نهایی را باید رسیدن به تمدن نوین اسلامی بر پایه ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد.

واژگان کلیدی: اسلام، تمدن نوین اسلامی، رهبری، فرهنگ، مبانی، مولفه های تمدن

## مقدمه

فلسفه تشریح اسلام، هدایت همه جهانیان است. پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) در انجام این رسالت الهی - انسانی، بسیار موفق عمل کرد و توانست انقلاب اجتماعی کاملی در جامعه زمان خودش ایجاد نماید. مسلمانان نیز با الهام گرفتن از اصول و شاخصه‌های اسلام و سیره رسول اکرم (ص) موفق شدند در مدت کم‌تر از یک قرن، با تأسیس امپراطوری عظیم اسلامی، طی چند قرن بر بخش عظیمی از جهان حکومت کنند. توفیق شگرف اسلام در تمدن‌سازی و اعتلای فرهنگ اعجاب برانگیز است.

تمدن اسلامی پس از قرون متمادی درخشش در عرصه جهانی، روندی نزولی را طی نمود، در حالی که جهان غرب پس از انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های تکنولوژیک و ایجاد و بهره‌برداری از ابزارهای مختلف، قدم‌های بزرگی در راه آسایش و رفاه زندگی مادی انسان‌ها برداشت. ضعف‌های داخلی حکومت‌های اسلامی و خودکم‌بینی مفرط ملت‌های مسلمان در رویارویی با پیشرفت‌های غرب، باعث گردید عده‌ای از غرب‌زدگان راه پیشرفت را در پیروی از این تمدن جدید بدانند.

اما فرهنگ و تمدن برخاسته از اندیشه اسلامی - پرغم‌گسست‌های عملی سیاسی و اجتماعی دولت‌ها - هیچ‌گاه به فراموشی سپرده نشد و احساس بازگشت به اسلام و تمدن نوین اسلامی، به عنوان دغدغه اصلی اندیشمندان جهان اسلام همواره وجود داشت. نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر تجلی این احساس ارزشمند است که نقطه اوج آن را در نهضت امام خمینی «ره» می‌توان به تماشا نشست.

مسئله تمدن نوین با زمینه اسلامی از مسایل مهم دوران معاصر است. نظر به استیلاجویی تمدن غرب از یک سو، و بیداری اسلامی از سوی دیگر؛ ضرورت پژوهش در زمینه مبانی و مولفه‌های تمدن نوین اسلامی، امری کاملاً واضح است. در این راستا یکی از اندیشمندان مسلمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است که نکات و دیدگاه قابل ملاحظه‌ای در این بعد دارد و پرداختن به اندیشه ایشان به این دلیل است که وی بعنوان یک اندیشمند ایرانی و اسلامی نظرات کاملاً روشنی در باب تمدن اسلامی دارد که بررسی و تحلیل آرای ایشان می‌تواند در رسیدن به تمدن نوین اسلامی موثر و مفید باشد.

## پرسش‌های پژوهش

- ۱- عوا  
مل و مولفه‌های تمدن ساز کدامند؟
- ۲- عوا  
مل و شرایط تمدن نوین اسلامی کدامند؟ این مسئله در اندیشه رهبری شامل چه مبانی است؟

روش پژوهش با توجه به ماهیت و کیفیت، از نوع توصیفی - تحلیلی است. با نگاهی به روند فراز و فرود تمدن اسلامی در طول تاریخ و چالش‌ها و خطراتی که با آن مواجه بوده است، شاید بتوان گفت: هیچ زمانی به اندازه شرایط کنونی شاهد پویایی و رشد اسلام در عرصه‌های مختلف نبوده‌ایم. به طور قطع، پیروزی انقلاب اسلامی و نظام‌سازی بدیع بنیانگذار آن سیر پایه اسلام ناب محمدی - از اتفاقات کم‌سابقه و شاید بی‌سابقه در طول

تاریخ بوده‌است. نظامی که به گفته رهبری معظم انقلاب، خط کلی آن رسیدن به تمدن نوین اسلامی [۱] در پرتو اتکال به هدایت الهی است؛ «داعیه ما ایجاد تمدنی است متکی به معنویت، متکی به خدا، متکی به وحی الهی، متکی به تعلیم الهی و متکی به هدایت الهی» [۲].

نظر به طرح مسئله تمدن نوین اسلامی از سوی رهبری معظم انقلاب، در این نوشتار سعی بر آن است که به اصلی‌ترین مؤلفه‌های این موضوع و برخی الزامات و راهبردهای تحقق آن - از دیدگاه معظم له - اشاره شود.

## عوامل و مولفه های تمدن ساز

### تعریف تمدن

زمانی که بشر با خط آشنا شد، قلم بدست گرفت، افکار خود را قلمی کرد و به نسل‌هایی بعدی انتقال داد، تمدن پدیدار گشت. پس از آن، واژه تمدن بر انواع پیشرفت‌ها در مظاهر متنوع زندگی بشر، اطلاق شده است.

تمدن از نظر لغوی عبارت از شهر نشینی، اخلاق مردم شهر نشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهر نشینی انتقال یافتن و به طور خلاصه روش‌ها و اسباب شهر نشینی را اختیار کردن است [۳].

در فرهنگ‌های عربی واژه تمدن به معنای حضاره (تمدن، شهر آئینی) نقطه مقابل بدات (بادیه نشینی) به کار رفته است. در فرهنگ‌های جدید، تحضر به تمدن و حاضره به شهر بزرگ اطلاق می‌شود [۴] و واژه انگلیسی Civilization از ریشه Civiliz به معنای مدنیت و رهایی از وحشی‌گری، است [۵]. در ادبیات فارسی، تمدن به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان بکار می‌رود [۶]. ابن خلدون، حالت اجتماعی شدن انسان را تمدن نامیده است [۷]. بعضی دیگر، گفته‌اند: تمدن مجموعه‌ای از عوامل معنوی و مادی است که با ایجاد فرصت برای جامعه و ادغام عرصه‌های زندگی، زمینه همکاری لازم را در راستای رشد و توسعه اجتماعی، فراهم می‌سازد [۸]. در نظر «ویل دورانت» تمدن عبارت از تجلی نظم اجتماعی و امکان پذیر ی خلاقیت فرهنگی است [۹] به اعتقاد «هنری توماس»، تمدن پدیده‌ای است به هم تنیده که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود [۱۰].

در نگاه جامع، واژه تمدن، از ریشه «مدینه»، «مدن» و «مدنیت» به معنای خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در راستای نهادینه شدن امور اجتماعی و عمران یافتن است. حاکمیت، نهاد های حکومتی، نظم پذیری، شهر نشینی، تعالی فضائل انسانی همانند علم و هنر، از علایم مدنیت اجتماعی و تعالی فرهنگی است.

### مولفه های تمدن

ایجاد و اعتلای تمدن از مولفه خاص تبعیت می‌کند؛ مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- نظام ارزشی: تمدن بر ایند حرکت تکاملی و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است. انسان ممکن است نیازهای مادی تمدن را با تلاش‌های تجربی و عقلی تأمین کند؛ اما رفع نیازهای معنوی که زیر بنای زندگی و اساسی‌ترین بعد تمدن انسانی است، هرگز در توان محدود بشر نیست. بلکه در قلمرو انتظارات بشر از دین قرار می‌گیرد. پس تمدن خاستگاه الهی - بشری دارد. همان گونه که اندیشه خلاق انسان عامل شکوفایی تمدن است، نقش آموزه‌های دین در پدیداری و اعتلای تمدن، به مراتب

تعیین کننده تر می نماید. اگر تمدن شامل باورها، قوانین، سازمان‌های اجتماعی، اخلاق، فلسفه، فن، ادبیات، فرهنگ و شیوه تعامل انسان با محیط پیرامون او باشد، دین در همه این امور نقش بسیار اساسی دارد. تحقیقات تاریخی و مردم‌شناسی نشان می‌دهد که مراکز مربوط به آئین‌ها و شعائر، هسته اصلی شهرهای اولیه بوده‌اند که بیانگر نقش مستقیم دین در تقویت هویت جمعی است [۱۱]. می‌توان گفت: "دین و ایمان باطن هر تمدنی است و گویی روحی در کالبد سازمان اجتماعی است [۱۲] یعنی تمدن با هر سرزمین و نژادی سازگار و قابل دوام است، اما در سرزمینی که ارکان مادی و معنوی تمدن هماهنگ باشد، توسعه و دوام تمدن آسان‌تر خواهد بود. جامعه‌ای که خواهان تمدن و اعتلای آن است، بایستی در وهله اول، به استقرار یک نظام ارزشی بیانگر معیارهای خوبی و بدی، نائل گردد. زیرا تمدن محصول فکر فردی یا ملتی خاص نیست، بلکه زیربنای آن، عقیده مشترک مردم است [۱۳]."

۲- شهر نشینی: با توجه به نقش دو عامل وحدت و امنیت در ایجاد تمدن و تداوم مدنیت، شهر نشینی از مولفه‌های تمدن به شمار می‌رود. مادامی که جامعه روحیه شهر نشینی پیدا نکند، وحدت و تمدن ایجاد نمی‌شود [۱۴]. زیرا تمدن نتیجه "عصبیت" و فعالیت‌های نیروی انسانی شهر نشین است یعنی، امنیت، وحدت و تمدن فقط در زندگی شهری قابل تحقق است.

۳- قانون مداری: نقش قانون و قانون‌مداری در زایش و اعتلای تمدن بسیار برجسته می‌نماید. قانون بسان خون در رگهای جامعه است. استحکام جامعه و ماندگاری تمدن در گرو قانون مطلوب و وفاداری آحاد جامع به آن است [۱۵] در غیر این صورت، اجتماعی شکل نمی‌گیرد تا تمدنی ایجاد گردد.

۴- حکومت: منظور از حکومت، نهادها، تأسیسات و سازمان‌هایی است که به استناد قانون جهت اداره کشور پدید می‌آیند. نقش رهبری در رأس نهاد‌های حکومتی بسیار برجسته می‌نماید. وجود قانون و حکومت شرط لازم نظم اجتماعی و تمدن سازی است، اما کافی نیست. جامعه، زمانی سامان می‌یابد و به تمدن مطلوب، نایل می‌گردد که از رهبری آگاه و پایبند به اصول جامعه برخوردار باشد تا مردم با تعاون و همیاری بر محور او، حرکت تکاملی خود را آغاز کنند [۱۶]. حاکمیت (اقتدار) شرط لازم تأثیرگذاری نهادهای حکومتی در پیدایش و اعتلای تمدن است. زیرا، فقط حکومت مقتدر می‌تواند با ایجاد فرصت‌های تمدن ساز، چالش‌های بیرونی و درونی تهدید کننده تمدن و فرهنگ را مرتفع سازد.

#### مولفه‌های تمدن اسلامی

عنایت به مولفه‌های تمدن اسلامی به منزله ریشه یابی و بازیابی نخستین اندیشه‌های تمدن ساز اسلامی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- دین‌مداری: هیچ فرهنگ و تمدنی را نمی‌توان یافت، مگر آنکه عنصر عقیده - حق یا باطل - در آن نقش دارد [۱۷] تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در اسلام، عقیده توحیدی سنگ بنای زندگی انسانی، تمدن و فرهنگ متعالی است. توحید باوری است که همواره در حال پویایی است. امیدواری، حرکت آفرینی، عزت و اعتلای اجتماعی، رستگاری دنیوی و اخروی ارمان عقیده توحیدی به موحدان، است. چنانکه، کفر ورزی، انکار آیات خدا، و نافرمانی از دستورات حق، عامل انحطاط جوامع و تمدن‌ها به شمار می‌روند.

۲- امت‌سازی: با توجه به نقش جمعیت هم عقیده در ایجاد و اعتلای تمدن، پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز، سازماندهی

جمعیتی - هرچند کوچک - اعتقادی را در نظر داشت. طرح بیعت مسلمانان با پیامبر اکرم (ص) در قالب گروه‌های چند نفره و چند ده نفره در مکه و پیمان بزرگ مدینه [۱۸] در این راستا قابل ارزیابی است.

اندیشه امت خاستگاه قرآنی دارد. امت را جامعه معتقدان تشکیل می‌دهد نه مجمع شهروندان. در روان‌شناسی اسلامی، امت همیشه مفید نوعی «همریشگی» بوده که نه با مکان و خون که با داشتن یک ریشه معنوی مشترک (عقیده) تأمین می‌گردد. آنچه امت را پدید می‌آورد، یک وضع سیاسی انسجام یافته نیست، بلکه اراده زندگی با هم است، آن هم اراده ای که در پرتو قواعد اخلاقی - بویژه آنچه که در قرآن به عنوان چارچوب روابط اجتماعی ترسیم گردیده - پدید آمده است [۱۹]. توفیق پیامبر اکرم (ص) در امت سازی از شگفتی‌های تاریخ است.

۳- حکومت: اسلام دین حکومت و سیاست است. به همین دلیل، پیامبر اسلام (ص) تأسیس حکومت - هرچند ابتدایی - را جزء اولویت‌های کاری خود قرار داد. مسجد پیامبر (ص) با آن سادگی عجیب، پایگاه اصلی حکومت و کانون نظام اجرایی بود [۲۰]. تمام اقدامات داخلی و بین‌المللی حکومت اسلامی در مسجد انجام می‌گرفت. حتی نامه‌های تاریخی پیامبر به سران کشورهای بزرگ از مسجد ارسال گردید. این روش بعد از آن حضرت نیز ادامه یافت، مخصوصاً در دوران خلافت امام علی (ع) نظام سازی دقیق و تنظیمات گسترده‌تری به موازات پیشرفت اسلام، ایجاد شد که اصول آن در فرمان امام علی به مالک اشتر تبیین شده است.

۴- قانون‌مداری: مورد تأکید اسلام است. پیامبر اکرم (ص) با درک عمیق از نقش قانون و قانون‌مداری در تمدن سازی، می‌فرمودند که: "اقوام و ملل پیشین که دچار سقوط و انقراض شدند، به آن سبب بود که در اجرای حدود الهی تبعیض روا داشتند، حدود را بر بینوایان جاری ساختند و توانمندان را به حال خود وانهادند." در رویکرد دینی، اجرای حدود الهی نسبت به افراد دور و نزدیک، و حکم بر طبق کتاب خدا در خشنودی و غضب و تقسیم عادلانه میان سیاه و سفید. عامل رستگاری دنیا و آخرت است [۲۱]. حاکم اسلامی نیز موظف به اجرای دستورات خدا در جامعه است.

۵- امنیت: نخستین شرط زندگی اجتماعی است. کاربرد متعدد این واژه در قرآن کریم نشانگر اهمیت آن است. امنیت، اساس بهترین مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی، نخستین تقاضای ابراهیم خلیل (ع) هنگام بنای کعبه، انگیزه ساخت سد معروف ذوالقرنین، دلیل هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به یثرب، و یکی از اهداف حکومت اسلامی است. در فقه اسلامی شدیدترین مجازات‌ها برای اخلاص گران امنیت اجتماعی اعتبار شده است [۲۲].

پیامبر اکرم (ص)، اقدامات متعددی در راستای تأمین امنیت انجام داد: انعقاد قرارداد صلح با همسایگان، امضای پیمان زندگی مسالمت‌آمیز با یهودیان مدینه، عقد برادری میان اوس و خزرج، پیمان همبستگی ملی مسلمانان، تلاش در راستای پیوند برادری میان مسلمانان، اهتمام به وحدت، و هشدار نسبت به پیامدهای تفرقه از جمله آنهاست. در اثر اقدامات شایسته رسول اکرم (ص)، قبایل انحصارطلب به جامعه‌ای ایثارگر؛ مردمان بی فرهنگ به امت با فرهنگ؛ دستانی متخاصم به ید واحد؛ و آسیب‌ناپذیر تبدیل گشت [۲۳].

افزون بر مؤلفه‌های مشترک میان همه تمدن‌ها، تمدن اسلامی از ویژگی‌هایی همانند خدامحوری، حق‌مداری، عدالت‌گستری، حاکمیت اخلاق و کرامت انسانی و مانند آن، برخوردار است [۲۴]. در مدنیت اسلامی و تمدن مورد نظر مسلمانان، «توحید»،

تعالی انسان، احترام به مقدسات در درجه نخست قرار دارد. به تناسب تجلی روح توحید و ولایت در طراحی و بازسازی تمدن اسلامی، مفاهیم قدسی نیز حضور و ظهور می یابد. این مهم در معماری مساجد و شهرها، در هنر و ادبیات، در همه ابعاد با نظمی خاص و مراتبی ویژه تجلی می یابد.

#### مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبری

۱- کرامت انسانی: تأکید اسلام ناب محمدی، بر حفظ کرامت انسان به عنوان یکی از آرزوهای دیرینه بشر، یکی از اساسی ترین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی است که نیل به این هدف، تنها در عمل همه‌جانبه به تعالیم اسلام و قرآن ممکن است؛ "هیچ مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده است، اصل تکریم انسان است. ما که منتظر نمی‌نشینیم غربی‌ها بیایند حقوق بشر را به ما یاد بدهند یا ما را توصیه به حفظ حقوق انسان کنند! ما خودمان، اول طرفدار حقوق انسان هستیم. منتها حقوق انسان در سایه اسلام، قابل دفاع می‌شود و حقوق انسان به حساب می‌آید. اسلام است که با احکام خود (همه گونه احکام؛ چه احکام قضایی و جزایی، و چه احکام مدنی و حقوق عمومی و مسائل سیاسی) از حقوق انسانها دفاع کرده است؛ نه آنچه که در اختیار آنهاست، نه آنچه که آنها به فریب، حقوق انسان به حساب آورده‌اند و اسم‌گذاری کرده‌اند" [۲۵].

۲- علم و معرفت: در نخستین آیاتی که بر پیامبر اسلام نازل گردید علم و ایمان به غیب دو امر مهم تمدن ساز اعلام شد، بدون شک علم پایه تمدن است؛ اما شرط کافی برای مدنیت نیست.

با توجه به نگاه دین به علم، مشخص می‌شود که دین برترین جایگاه و منزلت را به علم و دانش، اختصاص داده است؛ تا آنجا که قرآن کریم، صاحبان علم را به درجات رفعت و بزرگی نوید می‌دهد: "یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات والله بما تعلمون خبیر؛ خدای تعالی مؤمنین را به یک درجه، و علم داده شدگان را به چند درجه برتری داده و خدا بدانچه می‌کنید با خبر است" (مجادله: ۱۱) به این ترتیب در تمدن نوین اسلامی، تحصیل علم عبادت به‌شمار می‌آید و عالم مورد تکریم و احترام است. رهبری معظم انقلاب نیز با اشاره به روایتی از امیر مومنان (ع) به ارزش علم در اسلام اشاره می‌نماید: «در احادیثی که در زبان‌هاست و گاهی مورد تعمق قرار نمی‌گیرد، چقدر بعضی از نکات مهم هست: "الناس ثلاثه: عالم ربانی و متعلم علی سبیل نجاه و همج رعاع"؛ اصولاً ما سه دسته انسان داریم: انسانهایی دانشمندند؛ انسانهایی در طریق دانستن هستند؛ بقیه، همج رعاع هستند. همج رعاع، یعنی انسانهای سرگردان، بی‌ارزش و بی‌وزن. می‌بینید که اسلام اصلاً نسبت به علم، در درجه‌ی اول، ارزش را روی علم می‌برد؛ چه داشتن علم و آموختن آن به دیگران و چه فراگیری علم. محیط اسلامی، چنین محیطی است» [۲۶].

در نگاه نظام مند مقام معظم رهبری به علم، به مثابه کلید اقتدار و آقایی مسلمانان بر جهان یاد می‌شود ایشان اعتقاد دارند فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. کسانی که دنیای معاصر را از حیث علمی و عملی در چنبره خود دارند، علم را به زیر آورده‌اند. از این رهگذر، تأکید فراوان می‌کنند که باید علم را فرا گرفت بلکه بایسته است که تولید کننده و صادر کننده آن شد و به مصرف آن نباید دل خوش کرد. روش تولید علم از نظر ایشان، اجتهاد به معنی مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و

رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت است که تولید علم در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی خواهد بود.

نکته بسیار مهم در مباحث ایشان در باب علم، اقدام مسلمانان در شکستن مرزهای دانش است. تاکید ایشان بر این است که تحجر و جزم‌گرایی در باب یافته‌های علمی گذشتگان و متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است. آزاداندیشی و خودآگاهی جمعی راه برون رفت از این مشکل است. ایشان اعتقاد راسخ دارند زمانی که علم با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه‌های بزرگی می‌کند [۲۷].

۳- عدالت گستره: همواره موضوع عدالت اجتماعی به مثابه؛ انصاف بی‌طرفی و برابری فرصتها [۲۸]، به‌عنوان یکی از اهداف دعوت پیامبران الهی مطرح بوده است. در آموزه‌های اسلامی و پیشوایان دینی، عدالت اهمیت به‌سزایی در دوام و پایداری و رشد و پویایی جامعه دارد و جامعه‌ی تمدن اسلامی، آن است که در اجرای عدالت و تأمین حقوق همه‌ی مردم بر اساس شایستگی‌های آنان می‌کوشد. بر این اساس، بهره‌مندی از نظام به‌پادارنده‌ی عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و بایسته‌های جامعه و تمدن اسلامی و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به‌شمار می‌رود و نادیده‌انگاشتن آن، مخالفت با نظام طبیعی هستی است.

رهبری انقلاب، با اشاره به موضوع عدالت گستره، این امر مهم را یکی از شاخصه‌های پیشرفت در منطق اسلام معرفی نموده و فرموده‌اند: "اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام، پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله‌ی طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است" [۲۹]. لذا شاخصه عدالت، از مهمترین خصوصیات تمدن اسلامی در برابر تمدن غربی است؛ چرا که در مکاتب غربی مثلاً: لیبرالیسم نه تنها جایی برای تحقق عدالت و حفظ کرامت انسانی وجود ندارد بلکه به فرموده رهبر انقلاب عمیق‌تر شدن فاصله و شکاف طبقاتی را شاهد هستیم.

۴- عزت: تمدن مبتنی بر دین و عقلانیت و دانش و اخلاق، عزت آفرین است. عزت به معنای صلابت، غیرت و حالتی است که انسان و ملتی را مقاوم و شکست‌ناپذیر می‌سازد. تمدن توحیدی عزت آفرین است. زیرا، خداوند عزیز است، تمام خزائن هستی از آن او است، هر کس عزتی کسب می‌کند از برکت دریای بی‌انتهای اوست [۳۰] در پرتو الهامات عزت آفرین قرآن، رسول خدا و مسلمانان صدر اسلام در سخت‌ترین اوضاع و شرایط حیات سیاسی و معنوی خود، لحظه‌ای دچار تردید نشدند. چرا که آنها یقین داشتند که مرگ و زندگی، عزت و ذلت به دست خداست. این فرمایش نبوی است: "اگر دستم را تا مرفق در دهان ازدها فرو ببرم، نزدم محبوب‌تر است تا چیزی از تازه به دوران رسیده‌ها، طلب کنم" [۳۱].

یکی از خصوصیات که اسلام برای یک جامعه پویا و سرافراز ترسیم نموده، عزت ملی است. قرآن کریم در آیه هشتم سوره منافقون؛ عزت را از آن خدا و پیامبر (ص) و مومنان بالله می‌داند و می‌فرماید: "يقولون لئن رجعنا الى المدينة ليخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ ولله العزّة و لرسوله و للمؤمنين و لكنّ المنافقين لا يعلمون؛ می‌گویند اگر به مدینه باز گردیم، عزیزترین افراد، ذلیل‌ترین افراد را بیرون خواهد کرد، در حالی که عزت و اقتدار مخصوص خدا و پیامبرش و مومنان است، ولی منافقان نمی‌دانند." بدین

معنی که منافقان، در جنگ بنی المصطلق سوگند یاد کردند: پس از بازگشت به مدینه، پیامبر(ص) را از آن شهر اخراج کنند اما اراده الهی، بر عزت و پیروزی پیامبر(ص) و مؤمنان تعلق گرفت. حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این موضوع، عزت را لازمه یک ملت عنوان کرده و آنرا نقطه مقابل احساس حقارت می‌داند و می‌فرماید: "عزت ملی عبارت است از اینکه: یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است [۳۲]

۵-ولایت: به معنای یک نظام ارزشی است که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم بوده و تنها، فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود [۳۳] این استقرار ولایت است که موجب تحقق دیگر مؤلفه‌های تمدن اسلامی از جمله: عدالت، آزادی و عزت می‌گردد. ولایت در این مفهوم در مقابل سلطنت قرار می‌گیرد. سلطنت حکومتی است که در آن شخص حاکم هیچ ملاکی را برای سنجیدن تصمیمات در نظر نمی‌گیرد و خود را ملزم به پاسخگویی به سؤالات نمی‌داند. در این حکومت هیچ نظارتی خارج از فرد یا گروه حاکم برای سنجش تصمیمات وجود ندارد و تصمیمات براساس منافع شخصی گروه حاکم گرفته می‌شود. اما در تمدن اسلامی، فرد حاکم نه تنها در برابر قانون الهی پاسخگوست بلکه نسبت به نقد، نظارت، نصیحت و انتقاد افراد مسلمین نیز پاسخگو خواهد بود [۳۴].

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این موضوع تحقق ولایت را تحکیم پیوند و ارتباط مسئولان کشور با مردم می‌داند و می‌فرماید: تحکیم پیوند، ارتباط و علقه مسئولان کشور با مردم لازمه تحقق ولایت به معنای حقیقی کلمه می‌باشد و در سایه چنین پیوند و ارتباطی با مردم، تمام سلاح‌های دشمن در برابر نظام قرآنی و الهی جمهوری اسلامی، کند خواهد شد و مردم راهی را که آگاهانه انتخاب کردند با اداره و همت خود طی خواهند کرد و به فضل پروردگار نظام مقدس جمهوری اسلامی این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های تمدن اسلامی را در کشور و در تمامی جوامع اسلامی، مستحکم کند [۳۵].

بنابراین، تشکیل حکومت اسلامی به محوریت ولایت فقیه عادل اولاً بسیاری از موانع و علل انحطاط جهان اسلام و تمدن اسلامی را از بین خواهد برد ثانیاً موانع خارجی مانند هجوم سیاسی، فرهنگی و نظامی غرب، گرچه لطماتی به انقلاب ما می‌زند اما به هیچ وجه نظام اسلامی را از بین نمی‌برد.

۶-آزادی: در اندیشه توحیدی جایگاهی ویژه دارد. قرآن کریم، تأمین موهبت آزادی در جهت حیات معقول انسان را، جزء فلسفه‌های بعثت انبیا بر می‌شمارد. پیامبر اسلام (ص) نیک می‌دانست که در شرایط خفقان استبداد، ابتکار و خلاقیت و شکل‌گیری تمدن امکان‌پذیر نیست. لذا تلاش کرد هر گونه بار سنگین معنوی و انواع زنجیرهای بت پرستی و خرافات، عادات و رسوم غلط، جهل و نادانی، تبعیضات طبقاتی، قوانین نادرست، و سیطره طاغوتیان را از دوش انسان‌ها بردارد "ویضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم؛ و از آنان بار گران (تکالیف سخت) و بندهایی که بر آنان بوده برمی‌دارد" (اعراف: ۱۵۷) و پیام آزادی بخش اسلام "لایتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله؛ و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خدا ارباب نگیرد" (آل عمران: ۶۴) را جهانیان اعلام نماید. به فرموده امام علی (ع)، "خداوند محمد را به حق برانگیخت تا انسان‌ها را از بت پرستی و پیروی شیطان باز داشته داده و به پیروی و پرستش خدا دعوت کند [۳۶]



لذا آزادی اجتماعی در چارچوب کلی مصالح واقعی انسان، از اموری است که سبب رشد و شکوفایی استعدادهای فکری و خلاقیت های ذهنی افراد و زمینه ساز پیشرفت اجتماعی است. در مقابل، سلب آزادی های مشروع و ایجاد خفقان اجتماعی نیز مایه خمودگی و عقب ماندگی جامعه خواهد شد.

البته، مبنا و منشاء آزادی در اسلام با مبنای آزادی به مفهوم غربی آن متفاوت است. ریشه آزادی در غرب بر لذت و رنج انسان استوار بوده و مبنای آن خواست و تمایلات انسان است؛ به طوری که هر چیزی که برای انسان لذت آور بوده و با خواهش های قلبی او هماهنگی داشته باشد پسندیده و هر چه سبب رنج او گردد ناپسند و مذموم است که این امر مبنای قانونگذاری در این جوامع نیز به حساب می آید؛ چرا که آرزوها و تمنیات اکثریت افراد جامعه، قانون را به وجود آورده و آزادی های عمومی را در چهارچوب خود قرار می دهد. رهبری انقلاب با اشاره به اینکه حقیقت آزادی وجود تقوا و تزکیه در انسان است و انسان تنها در این صورت می تواند بر قدرت های بزرگ عالم پیروز شود، ریشه آزادی در فرهنگ و تمدن اسلامی را دارای روح توحیدی دانسته و فرموده اند: "ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان بینی توحیدی است. اصل توحید - با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد - آزاد بودن انسان را تضمین می کند؛ یعنی هر کسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد، باید انسان را آزاد بگذارد. لذا شما می بینید در دعوت انبیا در سوره های مختلف قرآن؛ در سوره ی انبیا، در سوره ی اعراف، در برخی سوره ها که از پیغمبران مختلف حرف می زند، مثلاً می گوید: "و الی عاد اخاهم هودا قال یا قوم اعبدوا الله؛" اول آنها را از خدا می ترساند و به دنبال آن، اطاعت از خدا و اطاعت از خودش را که نماینده خداست، به مردم پیشنهاد می کند. تمام پیغمبران، شروع دعوتشان عبارت بوده از اینکه: از خدا اطاعت کنید و از طاغوت - از کسانی که غیر خدا هستند و میخواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند - اجتناب کنید؛ "ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت" بنابراین آزادی اسلامی متکی بر توحید است و روح توحید عبارت است از اینکه: عبودیت غیر خدا باید نفی شود؛ یعنی توحید در هر دینی و در دعوت هر پیغمبری معنایش این است که انسان باید از غیر خدا چه آن غیر خدا یک شخص باشد، مثل فرعون و نمرو و چه غیر خدا یک تشکیلات و یک نظام باشد. چه یک نظام غیر الهی؛ چه غیر خدا یک شی باشد؛ چه غیر خدا هوی ها و هوسهای خود او باشد؛ چه غیر خدا عادتها و سنتهای رایج غیر الهی باشد - و از هر چه غیر خداست، اطاعت و عبادت نکند و فقط از خدای متعال اطاعت کند [۳۷]

۷- استقامت و مقاومت: "استقامت، یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت طلبی و عشرت طلبی رو نیاوردن. اینها اساس کار است." باید گفت لازمه رسیدن به اهداف عالی اسلامی، استقامت و مقاومت در برابر ابرقدرتها و دفاع از مستضعفین و مظلومین در سطح عالم است. این راه استقامت و مقاومت است که پرچم تمدن اسلامی و قرآن را در سراسر عالم برافراشته خواهد کرد و عدالت و مردم سالاری به معنای واقعی، کرامت انسانی و آزادی، با تاسی به آن تحقق پیدا خواهد کرد و این، وعده الهی است: "خدای متعال وعده قطعی کرده است که: "انّ الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه اّلا تخافوا و لاتحزنوا؛" استقامت در راه درست نتیجه اش این است که خدای متعال، اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می کند و موفقیت را نصیب آنها می کند. ما راهی که انتخاب کردیم، راه خداست. ملت ما این راه را انتخاب کرد و در این راه پافشاری هم کرده

است؛ با سختی هایی که در این راه هست، مقابله کرده و از آنها نهراسیده است. ان شاء الله میوه های شیرین و دلنشین این ایستادگی را خدای متعال به او خواهد چشاند [۳۸]

۸- اصلاح طلبی: به طور قطع اصلاحات انقلابی و اصلاحات حقیقی مورد نظر اسلام، نقد، اصلاح و پاسخگویی در جهت اهداف نظام اسلامی و در چهارچوب آن است؛ در صورتی که دشمنان اسلام تغییر اصل ساختار دین را هدف قرار داده و اصلاحات از نظر آنان تغییر و تبدیل اسلام به یک مجموعه وابسته و سرسپرده به غرب، بدون دخالت در امور اجتماعی و سیاسی مردم است. در حالیکه قرآن کریم این نوع اصلاح طلبان را مفسد معرفی می کند؛ چنانچه رهبری انقلاب در تفسیر آیه ۱۱ سوره بقره می فرماید: "برای یک ملت: هدف استقلال، هدف رها شدن از سلطه قدرتهای بیگانه، هدف رسیدن به ارزشهای اخلاقی و هدف آلوده نبودن به کالاهای فاسد و پس مانده فرهنگ فاسد غربی، (که امروز در اروپا و امریکا خودشان به ستوه آمده اند) و سر باز زدن از این ها و سرتافتن از اینها، هدفهای والایی است که اگر کسی بتواند با یک بینش منصفانه حرکت و جهاد و مقاومت این مردم را مشاهده بکند تأیید می کند که اگر مانعی برایشان به وجود آوردند، این فساد انگیزی است. قرآن به شکلی قاطع می گوید: اینها مفسدند، اما خودشان نمی فهمند و ملتفت نیستند، لذا به خیال خودشان دارند کار خوب می کنند و نمونه های اینچینی را می توان در جامعه ی کنونی مشاهده کرد که چیزی می گویند و می نویسند و یا کاری می کنند که در جهت مقابله با این هدف و با این حرکت است و خیال می کنند این یک اصلاح است و یک حرکت به نفع مردم یا به نفع کشور است؛ در حالیکه اگر با بینش درست نظر کنیم، می بینیم درست در جهت مصالح دشمنان و جهت عکس مصالح ملت است [۳۹]

۹- استقلال: یکی از ایده هایی که همواره برای عموم مسلمانان مطرح بوده و در طول تاریخ، بر آن تکیه ویژه ای می شده است، اصل استقلال خواهی و دشمن ستیزی است. اصل مبارزه با دخالت و نفوذ بیگانگان که یک سرمایه حیاتی برای ملت های مسلمان تلقی می گردد. باید در همه ابعاد مختلف زندگی مانند: عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی و... تقویت گردد، بطوریکه استمساک به دشمن ستیزی و استقلال طلبی برای تحقق تمدن نوین اسلامی، امری غیر قابل انکار به نظر می رسد.

استقلال و خود اتکایی خاستگاه قرآنی دارد. مسلمانان با الهام گرفتن از آیه " وَكُنْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است." (نساء: ۱۴۱) باید تلاش کنند تا استقلال جامعه اسلامی را در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی آن تأمین کنند. سیره رسول اکرم (ص) و رفتار مسلمانان صدر اسلام می تواند الهام بخش تمدن نوین اسلامی باشد.

۱۰- اخلاق عمومی و رفتار اجتماعی: مقام معظم رهبری می فرمایند: اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان می تواند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند [۴۰]

در این عبارت اخلاق که مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را برعهده دارد، عبارت است از هوای لطیف؛ یعنی انسان ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا؛ نه به آب و نه به غذا. انسان ممکن است بدون آب و غذا چند روزی دوام آورد، اما بدون هوا چند دقیقه هم نمی تواند سر کند. بنابراین، اخلاق در زندگی آدمی و به عنوان یکی از پایه های تمدن نوین اسلامی، نه فقط نقش کلیدی و مهم، که نقش حیاتی دارد. " اخلاق اگر نبود، بی اخلاقی وقتی حاکم شد؛ حرص ها، هوای نفس

ها، جهالت ها، دنیا طلبی ها، بغض های شخصی، حسادت ها، بخل ها، سوظن ها به یکدیگر وارد شد- وقتی این رذایل اخلاقی به میان آمد-، زندگی سخت خواهد شد؛ فضا تنگ خواهد شد؛ قدر تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد" [۴۱].

مقام معظم رهبری با اشاره به پیشرفت های کشور در عرصه های مختلف از جمله: زمینه های علمی، نظامی، صنعتی و... بخش اصلی و نرم افزاری پیشرفت را معطوف به موضوع سبک زندگی نموده و فرموده اند: «اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش ها پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد" [۴۲]. ایشان، مسایلی مانند اخلاق حرفه ای، کار جمعی، رعایت حقوق اجتماعی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان کاری، قانون گرایی، انضباط اجتماعی، نشاط اجتماعی، کرامت اجتماعی زن و همچنین حوزه هایی از قبیل حوزه مصرف، حوزه اوقات زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی را از مهمترین شاخص های اصلاح سبک زندگی برشمردند که می توان با آسیب شناسی و یافتن شیوه های آن به پیشرفت در این حوزه ها نیز امید داشت.

### الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبری

۳-۱-ایمان: یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه دار زمانی می تواند فکر و فرهنگ خود را در دنیا گسترش دهد که با مکتب و ایدئولوژی خود و با ایمان به آن در جهت تحقق این امر برآید و بر آن استقامت ورزد. این در حالی است که دشمنان اسلام برای توقف این حرکت عظیم به دنبال کشاندن جامعه به بی ایمانی است که این امر یکی از توطئه هایی است که به فرموده رهبر انقلاب با شدت و جدیت دنبال می شود: "کشاندن جامعه به بی ایمانی، یکی از همان توطئه هایی است که دشمنان تمدن سازی اسلامی دنبال آن بوده اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می کنند. پس در درجه ی اول، نیاز تمدن سازی اسلامی نوین، به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پرحجم و با کیفیتی انجام دهیم" [۴۳].

عمل به تعالیم قرآن: در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان تبیین کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. خداوند متعال می فرماید: "وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است". (نحل: ۸۹) بر این اساس، برای ساختن تمدن نوین اسلامی می بایست سبک زندگی اسلامی را با بهره گیری و عمل به مفاهیم قرآنی طرح ریزی نمود. توجه به مفاهیم قرآنی در عرصه های مختلف زندگی و به کار بردن آنها می تواند راهگشای بشر در برون رفت از بیراهه هایی باشد که تمدن مادی غرب پیش روی انسان ها قرار داده است. این کتاب آسمانی به اصول اخلاقی فردی و اجتماعی انسان نیز اشارت دارد؛ از این حیث

ضرورت دارد که انسان با قرآن مأنوس باشد. دوری از معنویات باعث گردیده است که علی رغم همه پیشرفت های علمی و صنعتی، عدم دستیابی به آرامش، جامعه غرب را در پی معنویات بکشاند. این نکته از روند رو به گسترش روی آوردن به اسلام در این جوامع به خوبی آشکار می باشد.

۲-۳- اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی: از منظر اسلام عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به سوی خدا سوق می دهد و بندگی او را به ارمغان می آورد. بنابراین عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره مندی از قوه عاقله در جهت گرایش های عالی انسانی و الهی تعقل می کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می دهد. "در واقع تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی بوجود نمی آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمای اسلام در فلسفه، عرفان و حدیث و ... و معارفی که امروز بشر بدانها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد برای عموم تشریح کنند" [۴۴].

از این رو در دوران معاصر با توجه به سیطره تمدن غربی بر دنیا می بایست پیشقراولان عقلانیت اسلامی به دنبال شناخت و ارائه ساختارهای نوین تمدن اسلامی و تلاش در جهت مقبولیت عمومی آن باشند [۴۵].

۳-۳- پرهیز از سطحی نگری: رهبری انقلاب، تحجر، سطحی نگری و ظاهرگرایی را بعنوان عوامل سکولاریسم پنهان نام برده و پرهیز از سطحی نگری و مواردی از این دست را از دیگر الزامات تدوین تمدن سازی اسلامی برمی شمردند و می فرمایند: "گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می شود، در برنامه ریزی ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می کنیم، حرف می زنیم، شعار می دهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می آید، از آنچه که شعار دادیم، خبری نیست" [۴۶].

۳-۴- پرهیز از تقلید از غرب: لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تقلید از تمدن های غربی است. در دوره ای فردی مثل تقی زاده که در بین چهره های روشنفکر غربگرا، از شهرت خاصی برخوردار است، نه تنها شعار "از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد" را سرداد، بلکه به تعبیر خود "اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد" و در نهایت به این آموزه ها نیز عمل نمود و تلاش فراوانی در همسان سازی اعمال و رفتار مردمان با شیوه های تمدنی غرب صورت داد اما نتیجه ای جز تعارضات اجتماعی را در بر نداشت. تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی جاری در ایران موجب از هم گسیختگی اجتماعی شد. تهاجم فرهنگی یکی از مظاهر تلاش برای تحمیل سبک و سلوک زندگی غربی به سایر ملت هاست.

تحمیل روش های زندگی و سیر و سلوک زندگی از سوی غرب به ملتها و تمدن های مختلف و الزام آنها به تقلید از این شیوه ها، نه تنها کمکی به پیشرفت ملتها نداشته است بلکه ضرر و فاجعه هایی را نیز برای آنها به همراه داشته است. بطوری که علی رغم آنکه در ظاهر، بعضی از این کشورها پیشرفت هایی را نیز کسب کرده اند اما هویت ملی خود را از دست داده و این تقلید و انحراف به فرموده رهبری انقلاب، علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت را به همراه

داشته است [۴۷]. ایشان می‌فرمایند: "فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند" [۴۸].

### راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبری

۴-۱- تولید فکر:

اسلام در جامعه ای ظهور کرد که مردم آن از جهل و بی سوادی به شدت رنج می بردند. در سرزمین حجاز فقط ۱۷ نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند. انقلاب فرهنگی صدر اسلام از شگفتی های تاریخ است. پیامبر اکرم (ص) در مدت سیزده سال در مکه به تعلیم و تربیت و نشر فرهنگ و عقاید اسلامی پرداخت و اصحاب خود را چنان آموزش داد که بعد از هجرت در مدینه، پایه گذاران اصلی حکومت اسلامی شدند یعنی انقلاب سیاسی و اجتماعی و نظام اسلامی بر پایه های همان انقلاب فرهنگی تأسیس شد. انقلاب فرهنگی صدر اسلام خاستگاه قرآنی داشت. فلسفه آفرینش دانش گستر و هدف بعثت پیامبر (ص) نیز تعلیم و تربیت است. روایات نبوی ضمن مذمت جهل و نادانی؛ علم آموزی را امری واجب، حسنه، صدقه، تسبیح و جهاد دانسته و عالمان را ارجمندترین انسان‌ها معرفی می کند؛ ظهور اسلام با خواندن و نوشتن، سوگند قرآن کریم به قلم، و تکریم دانشمندان، نشانه اعجاز این دین مبین در اصلاح فرهنگ و پی ریزی تمدن است. روش قرآن کریم در امر به ژرف‌نگری، خرد ورزی، قرائت، کتابت، تمجید از علم و عالمان، از یک سو؛ و سیره پیامبر اسلام (ص) در وجوب همگانی تحصیل علم، توصیه به دانش آموزی در شرایط سنی مطلوب، ضرورت تحصیل علم در هر زمان و در هر شرایط، تحمل مشکلات علم آموزی، تشویق مسلمانان به حکمت اندوزی از هر کسی، لعن و نکوهش کتمان کنندگان دانش، و آزادی اسیران جنگ بدر در قبال آموزش به ده نفر مسلمان از سوی دیگر؛ موجب نهضت علمی شکوهمندی در قلمرو اسلام گردید؛ علم آموزی در موضوعات مختلف تأسیس مدارس، و کتابخانه ها از برکات این نهضت علمی و جلوه هایی از تمدن اسلامی است که به تدریج جهانی شد. از نظر نویسنده تاریخ تمدن، اسلام طی پنج قرن از (سال ۸۱ تا ۵۹۷ هـ ق) برابر با (۷۰۰ تا ۱۲۰۰ م) از لحاظ نیرو و نظم، بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح زندگانی، وضع قوانین منصفانه انسانی، تساهل دینی، دانشوری، علم طب و فلسفه، پیشاهنگ جهان بوده است و اروپای مسیحی، غذاها، شربت‌ها و دارو و درمان، اسلحه، استفاده از نشان‌های مخصوص خانوادگی، سلیقه و انگیزه هنری، ابزار فنون صنعت و تجارت، و قوانین راه‌های دریایی را از اسلام فراگرفت و غالباً کلمات آن را نیز از مسلمانان اقتباس کردند [۴۹].

عمق معارف دینی به مثابه ژرفای اقیانوسی است که سیر در آن، در همه زمانها ممکن بوده و مجاهدت متفکران آگاه اسلامی که لازمه تولید فکر متناسب با نیازهای هر زمان می‌باشد، باعث پویایی این مکتب و به تعبیر حضرت آیت الله خامنه ای: تولید اندیشه راهنما و راهگشا برای بشریت، از این اقیانوس عظیم معارف است؛ "در همه‌ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت

را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه راهنما و راهگشا برای بشریت [۵۰]

۴-۲- پرورش انسان:

پرورش انسان از مهمترین رسالت انبیاست که در سایه اعتقاد به قیامت، مبارزه با ظلم و رعایت حقوق مردم اجرا می‌شود و اینها همه از اصول استوار تمدن است. قرآن کریم، هدف از ارسال رسل و انزال کتاب را تزکیه و تعلیم بشر می‌داند. البته پرورش انسان و تربیت یک دفعه امکان ندارد. رهبری انجام این کار را، عظیم می‌داند و می‌فرماید: تربیت یک جامعه و یک ملت بزرگ، در طول چند سال کوتاه عملی نیست! این حادثه عظیمی که اتفاق افتاده است دیگران هم شهادت می‌دهند خود ما هم هر وقت دقت و فکر کنیم خواهیم دید کار عظیمی شده است [۵۱]

باید گفت نقش آفرینان تولید فکر، باید توانایی هدایت افکار و همچنین پرورش انسانها و تقویت نیروی ایمان در آنها را داشته باشند چراکه تنها با حضور آحاد مردم و پرورش روح ایمان آنهاست که مسیر برای تحقق تمدن نوین اسلامی هموار می‌گردد. رهبری انقلاب این وظیفه را در درجه اول بر عهده علمای دین قرار می‌دهند: «باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک، مدیران جامعه جزء نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزء نقش آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزء نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است [۵۲].»

## نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد تا به دو پرسش درباره ی عوامل و مولفه های تمدن ساز و مولفه ها، الزامات و راهبردهای تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری پاسخ داده شود.

پس از تبیین و تعریف گوناگون از، مفهوم تمدن این تعارف عرضه شد: واژه تمدن، از ریشه «مدینه»، «مدن» و «مدنیت» به معنای خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در راستای نهادینه شدن امور اجتماعی و عمران یافتن است. حاکمیت، نهاد های حکومتی، نظم پذیری، شهر نشینی، تعالی فضائل انسانی همانند علم و هنر، از علایم مدنیت اجتماعی و تعالی فرهنگی است. آنگاه گفته شد تمدن مولفه هایی دارد که شامل: نظام ارزشی، شهرنشینی، قانون مداری و حکومت است. تمدن اسلامی نیز علاوه بر داشتن اینها، مولفه های مانند دین مداری، حق محوری، عدالت گستری و کرامت خواهد داشت.

در پاسخ دومین پرسش مولفه های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری شامل موارد زیر معرفی گردید:

کرامت انسانی، علم و معرفت، عدالت گستری، عزت، ولایت، آزادی، استقامت، اصلاح طلبی، استقلال، اخلاق عمومی.

آنگاه الزامات تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: ایمان، اهتمام به کار گیری عقلانیت و پرهیز از تقلید از غرب.

سرانجام در پاسخ به سومین پرسش تحقیق، راهبردهای تمدن نوین بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری بحث شده عبارتند از:

تولید فکر و پرورش انسان.

## منابع

۱. خامنه ای، سید علی (۱۳۷۹). بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه. قم: بی نا.
۲. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱). بیانات در محفل انس با قرآن. تهران: بی نا.
۳. مجیر شببانی، نظام الدین (۱۳۳۷). تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی. تهران: دانشگاه تهران.
۴. مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳). تمدن اسلامی در عصر عباسیان. تهران: سمت.
۵. حییمن، سلیمان (۱۳۶۹). فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
۶. معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
۷. ابن خلدون، عبد الرحمن (۱۳۶۲). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
۸. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۰). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: وزارت امور خارجه.
۹. دورانت، ویل (۱۳۶۵). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۰. لوکاس، هنری (۱۳۶۶). تاریخ تمدن. ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان.
۱۱. الیاده، میرچا (۱۳۷۵). دین پژوهی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. حجازی، فخر الدین (۱۳۵۲). نقش پیامبران در تمدن انسان. تهران: بعثت.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۷۹). سیمای فرزندگان. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۴. دورانت، ویل (۱۳۶۵). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۵. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳). فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
۱۶. ابن خلدون، عبد الرحمن (۱۳۶۲). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
۱۷. حجازی، فخر الدین (۱۳۵۲). نقش پیامبران در تمدن انسان. تهران: بعثت.
۱۸. ابن هشام، محمد (۱۴۰۹ق). السیره النبویه. قم: دار الکتب ارعلبی.
۱۹. Encyclopaedia Universalis Paris: Encyclopaedia Universalis France SA, 1968, vol 9, p148.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). پیام قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
۲۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۹ق). مستدرک الوسائل. بیروت: آل البيت.
۲۲. Encyclopaedia Universalis Paris: Encyclopaedia Universalis France SA, 1968, vol 9, p148. مجلس.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. سبحانی، جعفر (۱۳۷۹). سیمای فرزندگان. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۲۵. خامنه ای سید علی (۱۳۷۱). بیانات در دیدار جمعی از زنان. تهران: بی نا.
۲۶. خامنه ای سید علی (۱۳۸۳). بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی. تهران: بی نا.
۲۷. معینی پور مسعود، لک زایی، رضا (۱۳۹۱). ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری. مجله مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸، صص ۵۱-۷۶.
۲۸. بیات، عبدالرسول (۱۳۹۰). فرهنگ واژه‌ها. تهران: اندیشه و فرهنگ دینی.

۲۹. خامنه ای سید علی (۱۳۹۱). بیانات در اجتماع مردم اسفراین. اسفراین: بی نا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). پیام قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
۳۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. خامنه ای، سید علی (۱۳۸۸). بیانات در جمع مردم استان کردستان. کردستان: بی نا.
۳۳. خامنه ای، سید علی (۱۳۷۷). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. تهران: بی نا.
۳۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۵. اداره کل پژوهش معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما (۱۳۸۲). ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن اسلامی. مجله مدیریت فردا، سال اول، شماره ۲، صص ۱۹-۳۳.
۳۶. دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: آل طه.
۳۷. خامنه ای، سید علی (۱۳۶۵). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. تهران: بی نا.
۳۸. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱). بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی. تهران: بی نا.
۳۹. خامنه ای، سید علی (۱۳۷۰). بیانات در جلسه چهاردهم تفسیر سوره بقره. تهران: بی نا.
۴۰. معینی پور مسعود، لک زایی، رضا (۱۳۹۱). ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری. مجله مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸، صص ۵۱-۷۶.
۴۱. معینی پور مسعود، لک زایی، رضا (۱۳۹۱). ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری. مجله مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸، صص ۵۱-۷۶.
۴۲. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. تهران: بی تا.
۴۳. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. تهران: بی تا.
۴۴. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۰). تمدن نوین بر اساس عقلانیت اسلامی. نشریه مجلس و پژوهش، صص ۱۱-۲۳.
۴۵. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۰). تمدن نوین بر اساس عقلانیت اسلامی. نشریه مجلس و پژوهش، صص ۱۱-۲۳.